



## فعالیت‌های فکری و سیاسی

### فرقه زیدیه در ایران

(۴)

#### قیام محمد بن عبدالله بن حسن زیدی

محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن معروف به نفس زکیه در موع مرگ ، برادر خود ابراهیم را که در بصره بود به جانشینی خود برگزید و بدین ترتیب ابراهیم بن عبدالله که مردی فعال و با پشتکار بود ، طبق اصول زیدیه ، به امامت و رهبری فکری و سیاسی زیدیان انتخاب شد . چهارمین امام و رهبر زیدیان از بصره آهنگ کوفه کرد و با توجه به عدم رضایت مردم از حکومت جدید عباسیان شك نداشت که در این شهر از وی حمایت خواهند کرد و به یاری و همکاری او بر ضد ابو جعفر منصور و ائمه خلیفه عباسی برخوانند خاست . اما با کمال تاسف و برخلاف انتظار او ، در این شهر همانگونه که با مسلم بن عقیل (ع) پسر برادر علی بن ابیطالب (ع) و حسین بن علی (ع) رفتار کرده بودند ، یآوری نیافت ، در این هنگام خلیفه عباسی که از ورود وی به کوفه خبر یافته بود ، جاسوسان و نگهبانان بی شمار برگرد آن شهر بگمارد تا وی را دستگیر کنند . در این موقع ، ابراهیم ، حمله‌ای بکاربرد و مردی بنام سفیان بن یزید عمی را به نزد خلیفه فرستاد . سفیان به نزد منصور

\* آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع) مدیر عامل شرکت مؤلفان و مترجمان ایران از تاریخ نویسان محقق معاصر

رفت و گفت : «ای امیرمؤمنان مرا امان میدهی که ابراهیم را بتو نشان دهم و او را تسلیم کنم ؟ گفت : در امانی ، او کجاست ؟ گفت : در بصره ، پس هم اکنون مردی را که بدو اعتماد داری بامن همراه کن و مرا ، برستوران برید بنشان و به عامل بصره بنویس . من ابراهیم را به وی نشان دهم تا او را دستگیر کند . منصور ، ابوسوید را (صاحب طاقهای ابوسوید در دروازه شام بغداد) همراه وی فرستاد و سفیان با غلامی که جبه‌ای پشمین به تن داشت و سفره‌ای از طعام به گردش آویخته بود ، به بیرون رفت و همه برستوران برید سوار شدند و به بصره رسیدند ، سفیان به ابوسوید گفت : منتظر باش تا درباره ابراهیم تحقیق کنم و باز آیم» بدین ترتیب سفیان بن یزید عمی و غلام همراه وی به بصره وارد شدند و هرگز به نزد ابوسوید باز نگشتند . غلامی که جبه پشمین به تن داشت و به همراه سفیان و ابوسوید از کوفه به بصره سفر کرد ، کسی غیر از ابراهیم بن عبدالله بن حسن امام و پیشوای زیدیان نبود وی در حالی که مورد تعقیب خلیفه بود با این حیل به همراه فرستاده مخصوص خود وی از ورطه مهلکه رهایی یافت .

ابوسوید ساعتها بر دروازه بصره منتظر ماند ولی از سفیان خبری نشد ، پس به نزد سفیان بن معاویه بن یزید بن مهلب حاکم آن شهر رفت و ماجرا را به او باز گفت . حاکم بصره موضوع را بخلیفه نوشت . پس از تفحص بسیار معلوم شد ابراهیم بن عبدالله بدین حیل از کوفه به بصره آمده است .

ابراهیم پس از ورود به بصره مقدمات خروج و قیام برضد منصور را فراهم کرد و سرانجام در روز اول ماه رمضان سال ۱۴۵ هجری دعوت خود را آشکار ساخت . مردم بصره با مامت با وی بیعت کردند ، آنگاه آهنگ کاخ فرمانداری کرد . سفیان بن معاویه مهلبی در کاخ متحصن شد و سپس امان خواست ، ابراهیم او را امان داد و سفیان از آنجا بیرون رفت و شهر را بوی وا گذاشت . ابراهیم ، به اموال و خزاین دولتی دست یافت و شهر را متصرف شد . جعفر و محمد پسران سلیمان بن علی که در بصره بودند رهسپار میسان شدند و از ترس در خندق متحصن گردیدند .

ابراهیم فرمانروای جدید بصره ، مغیره بن فزاع سعدی را به اهواز فرستاد ، مغیره به اهواز رفت و محمد بن حصین عامل آنجا را از شهر بیرون کرد و اهواز را متصرف شد . همچنین یعقوب بن فضل بن عبدالرحمان بن عباس بن ربیع بن حارث بن عبدالطلب از طرف ابراهیم به فارس سفر کرد و اسماعیل بن علی حاکم برگزیده منصور را از آن دیار به بصره برانند .

همچنین **هارون بن سعد عجلی** به واسطه رفت و بر آن نواحی دست یافت. بر دین لبید  
یشکری نماینده دیگر ابراهیم کسکر را تسخیر کرد. بدین ترتیب نواحی فراوانی از عراق  
و ایران به تصرف ابراهیم بن عبدالله قیام گر پرشور زیدی درآمد. در این موقع ابراهیم  
بصره را مرکز فرماندهی خود قرار داده بود و بطوریکه یعقوبی نوشته است: «فهرست  
سپاهیان خود را شمرده شصت هزار تن بودند.»

ابراهیم بن عبدالله بعد از تهیه مقدمات و آمادگی لشکر عازم جنگ و مقابله با خلیفه  
عباسی گردید و **نميلة بن مرة اسعدی** را در بصره بجانشینی خود انتخاب کرد و روزاول  
ذی القعدة از راه کسکر آهنگ منصور کرد. منصور عیسی بن موسی را با هجده هزار تن سپاه  
بمقابله فرستاد ابراهیم پیش رفت تا به قریه باخرا رسید. عیسی بن موسی در قریه بسنجا  
فرود آمد. **حمید بن قحطبة طائی** برای نبرد پیش تاخت و جنگ به شدت در گرفت. در  
این جنگ پیروزی با ابراهیم بود و مردم در برتری ابراهیم بر عیسی بن موسی مطمئن شدند  
ولی ناگاه **مسلم بن قتیبة باهلی** با سواران خود به ابراهیم حمله برد. در این موقع یاران  
ابراهیم به تصور اینکه سپاهیان خلیفه در چند موضع کمین کرده اند، به هزیمت رو نهادند  
و در نتیجه ابراهیم فقط با چهارصد تن از زبیدیان در میدان جنگ باقی ماندند و جنگ و گریزی  
جانانه در گرفت، ابراهیم و یاران از جان گذشته و دلاورش پیروز شدند بدانسان که چندین  
بار سپاه نیرومند خلیفه را از معرکه بیرون راندند و بدنبالشان تا نزدیک کوفه پیش تاختند.  
عاقبت کار به آنجا کشید، که خلیفه از بیم جان شتران خود را فراخواند تا راهسپار بغداد  
شود. پیروزی ابراهیم و یارانش قطعی بود و شاعری چنین سرود:

خذا با اسحاق ملیتها فی سیرة ترضی و عمر طویل

(ای ابواسحاق خلافت را بدست گیر، خدا کند باروشی پسندیده و عمری دراز بدان

بهره مند باشی.)

خلیفه از بیم شکست شبهانی خوابید. حتی بدوزن زیبا، یکی بنام **فاطمة طلحیه**  
دختر محمد و دیگری **ام کریم** دختر عبدالله از فرزندان **خالد بن اسید** که آنان را برای زفاف  
به نزد وی آوردند، از فرط ملال توجهی نکرد و آنان را به بغداد فرستاد. اما با وجود این  
پیروزی ابراهیم و چهارصد تن از یارانش مسلم بود، که تسلط آنان بر افراد کثیر سپاه دشمن  
بهیچ وجه ممکن نخواهد بود.

این جنگ دلاورانه همچنان ادامه یافت و ابراهیم و یاران اندکشان آنقدر جنگیدند تا  
یکان بیکان از پادرامدند و سرانجام خود ابراهیم نیز بارشادتی و شهامتی کم نظیر در صحنه  
کارزار کشته شد. سپاهیان خلیفه، سر این پیشوای زبیدیان را از تن جدا کردند و به نزد او

بکوفه بردند. منصور از فرط خوشحالی سر بریده را پیش روی خود نهاد و مردم را بار داد. در این باریابی مردم بر او وارد می شدند و نسبت به ابراهیم و برادران و بستگانش بدمی گفتند. بطوریکه نوشته اند<sup>۲</sup> در میان باریافتگان حسن بن زید بن علی بن حسین (ع) نیز بود و منصور سرا ابراهیم را به حسن نشان داد و حسن چون آن سر را بدید رنگش زرد شد و حالش دگرگون گشت و پس آنگاه گفت: (ای امیر مؤمنان بخدا قسم اورا کشتی در حالی که بسیار روزه دار و شب زنده دار بود و دوست نداشتم که گناه کشتن اورا بر عهده گیری.)  
 شیعیان زیدیه که بر ضد غاصبان حکومت اسلامی برخاسته بودند ثب. و ضبط گردید. (۱۴۶ هجری)

**انشعاب فکری فرقه زیدیه (زیدیان) - جز سلسله امامان مقتول زیدیه که شرح احوال آنان نوشته شد، گروهی از زیدیان راهی دیگر در پیش گرفتند و عقیده داشتند که امام فرقه زیدیه، بعد از محمد بن عبدالله نفس زکیه، محمد بن قاسم بن علی بن عمر است و این عمر برادر زید بن علی (ع) بود. دسته ای دیگر از زیدیان گفتند امامت پس از یحیی بن زید به برادر او عیسی بن زید میرسد که در قیام ابراهیم بن عبدالله نیز بر ضد منصور خلیفه عباسی با ابراهیم همکاری و همراهی کرده بود. این گروه امامت را پس از عیسی باعقاب او اختصاص داده بودند و داعی الزنج (داعی زنگ) به وی منتسب است. که شرح قیام وی در ورقهای آینده خواهد آمد. جمعی دیگر از زیدیان بر آن شدند که امام فرقه، پس از محمد بن عبدالله، برادر وی ادریس بن عبدالله است که به مغرب گریخت و در آنجا جهان را بدرد گنت و پسرش ادریس بن ادریس جانشین او شد و شهر فاس را بنیان نهاد و پس از وی فرزندان او در مغرب به سلطنت رسیدند،<sup>۴</sup> بنابراین ادراسه یا ادرسیان عیسی دولت مستقل شیعه عاوی در اسلام بشمار میرود و سلسله آنان ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسین بن علی (ع) است. افراد این سلسله از سال ۱۱۲ تا سال ۳۷۵ هجری بر مراکش و آفریقای شمالی فرمانروایی داشتند.**

«ادامه دارد»

۱ - تاریخ یعقوبی جلد دوم صفحه ۳۶۹

۲ - تاریخ یعقوبی جلد دوم صفحه ۳۷۰

۳ - تاریخ یعقوبی جلد دوم صفحه ۳۷۲

۴ - مقدمه ابن خلدو ترجمه محمد پروین گنابادی جلد اول صفحه ۳۸۴